

## رابطه ی نظریه و عمل در تعلیم و تربیت از دیدگاه ارسطو

### مهین چناری<sup>۱</sup>

#### بیان مساله

در دهه های گذشته جدایی بین نظریه و عمل به صورت گسترده ای مورد بحث قرار گرفته است (آرسیلا<sup>۲</sup>، 2002، ص 8). بسیاری از دانشجویان در تربیت معلم مسئله ی جدایی بین نظریه و عمل را تجربه کرده اند. آنان متوجه این نکته شده اند که نظریه با رشد قابلیت های فرد به عنوان یک معلم ارتباط چندانی ندارد. معلمان نیز عمدتاً در این دیدگاه اشتراک نظر دارند که کسی که می خواند یک موضوع را به صورت عملی آموزش دهد به جای این که یک نظریه پرداز باشد باید یک عامل باشد؛ به این معنی که دانستن چگونگی انجام عمل مهمتر از داشتن دانش نظری در مورد آن عمل است (مزیرو<sup>۳</sup>، 2000، ص 157). از آنجا که آموزش و پرورش نظریه و عمل را در بر می گیرد، این مقاله درصدد است رابطه ی نظریه و عمل را در تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار دهد.

#### سوالات پژوهش

- 1- باتوجه به آراء ارسطو چه نوع ارتباطی میان نظریه و عمل می توان متصور نمود؟
- 2- منظور از نظریه و عمل در تعلیم و تربیت چیست؟

#### چارچوب نظری

این دیدگاه که باید ارتباطی بین نظریه و عمل در تعلیم و تربیت وجود داشته باشد به نظر امری مسلم می نماید. گرچه تقسیم بندی ارسطو در مورد دانش در کتاب اخلاق نیکوماخوس به یونان باستان بر می گردد، اما با توجه به این بحث تاریخی می توان چشم انداز متفاوتی برای درک

mahin.chenari@gmail.com

<sup>۱</sup> - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم،

<sup>۲</sup> - Arcilla

<sup>۳</sup> - Mezirow



ارتباط بین نظریه و عمل در تعلیم و تربیت ارائه نمود. ارسطو در ابتدا دانش را به سه قسمت تقسیم می‌کند: (1) دانش نظری یا اپیستمه *Episteme* که دانشی انتزاعی، کلی و قطعی است. از نظر ارسطو این نوع دانش مبتنی بر تجربه ی انسان نیست. (2) دانش عملی یا *Techné* ساختن سروکار دارد و هدف آن در محصول و نه در فرایند قرار دارد. (3) فرونسیس یا حکمت عملی *Phronesis* دانشی عملی است که با موضوعات اجتماعی و اخلاقی سروکار دارد. در اینجا فعالیت، عملی اخلاقی و اجتماعی است که هدف عمل، در درون خود عمل گنجانیده شده است، زیرا هدف، تولید اعمال خوب است. بازبینی بحث ارسطو در مورد دانش و مرتبط ساختن سه شکل دانش با سه حوزه ی نظریه، تولید و حوزه ی اجتماعی- اخلاقی، این حقیقت را روشن می‌سازد که از نظر ارسطو، تئوری و عمل در تعلیم و تربیت متعلقند به مقوله‌هایی که از نظر کیفی با هم متفاوتند و بنابراین بدون واسطه در ارتباط مفید با یکدیگر قرار نمی‌گیرند (ارسطو، 1378، ترجمه ی لطفی).

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات از کتابها، مقالات، مجلات و سایت‌های معتبر استفاده شده است. در این تحقیق محقق کوشیده است تا با سیر در منابع مطالعاتی ضمن گردآوری اطلاعات با نگاهی تحلیلی موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

## یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده در خصوص دیدگاه ارسطو در مورد دانش دست‌اندرکاران در تعلیم و تربیت کنونی را به این نکته توجه می‌دهد که زمانی که با انواع مختلف دانش سروکار دارند، دقت نظر بیشتری به خرج دهند، زیرا همه ی انواع دانش از یک جنس نیستند. ارسطو حوزه ی نظر را از حوزه ی عمل جدا می‌سازد. در دیدگاه ارسطو، از حوزه‌های نظری و عملی به عنوان دو حوزه ی کاملاً از نظر کیفی متفاوت، اشاره شده است. دانش نظری و دانش



عملی هر کدام هدف متفاوتی دارند. دانش عملی با انجام کار و ساختن سروکار دارد و ملموس، عینی و خاص است. برعکس دانش عملی، دانش نظری مستقیماً در عمل قابل بکارگیری نیست. یادگیری در حوزه‌ی عمل از یادگیری در حوزه‌ی نظر متفاوت است. برعکس یادگیری در حوزه‌ی نظر، که مستلزم تجربه‌ی زندگی نیست، یادگیری در حوزه‌ی عمل مستلزم عمل، آموزش و تجربه است. دانش عملی، مقدم است و بیشتر از طریق انجام آنچه که باید یاد گرفته شود، یاد گرفته می‌شود.

ارسطو اشکال مختلف یادگیری را با اشکال مختلف دانش مرتبط می‌سازد. وی تأکید می‌کند که اشکال مختلف یادگیری و مقولات دانش با هم مرتبط هستند و به همین دلیل برای آنچه که ما می‌توانیم در مدرسه یاد بگیریم محدودیت وجود دارد. دانش نظری را می‌توان در مدرسه آموخت، اما دانش عملی در شرایط خاص به بهترین نحو می‌تواند آموخته شود. اصول کلی مرتبط با دانش تنه بدون تجربه‌ی عملی ارزش زیادی ندارند. بعلاوه توانایی مبتنی بر فرونسیس نمی‌تواند از طریق آموزش یاد گرفته شود، بلکه تنها از طریق تجربه‌ی موقعیت‌های عملی زیاد قابل یادگیری است.

### نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

دیدگاه ارسطو در مورد دانش می‌تواند با بسیاری از تصورات رایج در ارتباط با تعلیم و تربیت در تقابل باشد. یکی از این باورها این است که حوزه‌های عملی و نظری از چنان طبیعتی برخوردار هستند که ارتباط بین آنها امکان‌پذیر است. اما از نظر ارسطو تفاوتی کیفی بین حوزه‌ی نظر و حوزه‌ی عمل وجود دارد. باور دیگر این است که نظریه به طور مستقیم به عمل تبدیل می‌شود. این پندار دلالت دارد بر این که تئوری عمل را ایجاد، هدایت و راهنمایی می‌کند. ارسطو نشان می‌دهد که اصول کلی و انتزاعی و دیکته‌کننده‌ی عمل در شکل مجزای خود خالی از محتوا هستند و نمی‌توانند عمل را ایجاد و هدایت کنند. انسان قادر به عمل کردن نیست مگر این که دانش فرونسیس که مبتنی بر تجربه‌ی خاص است را مورد استفاده قرار دهد. باور دیگر این است که عمل، مبتنی بر قانون و قابل توصیف با واژه‌های کلی است. آنچه در این دریافت به صورت ضمنی وجود دارد این تصور است که اقدامات در عمل، براساس قواعد و اصول کلی رخ می‌دهند.



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران  
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

اما ارسطو استدلال می‌کند که چون اقدامات با شرایط خاص مرتبط هستند، نمی‌توانند در قالب دانش کلی قرار گیرند. یکی دیگر از این تصورات این است که یادگیری در کلاس برای یادگیری در عمل مناسب است. این باور بر اساس فهمی یک بعدی در مورد یادگیری بنا شده است، در حالی که ارسطو بین یادگیری دانش نظری و دانش عملی تفاوت قایل است. دانش نظری را می‌توان در مدرسه و به افراد فاقد تجربه یاد داد. با این حال، تا آنجایی که یادگیری در حوزه‌ی عمل (و همچنین یادگیری یک حرفه) مد نظر باشد، دیدگاه ارسطو می‌تواند به عنوان نماینده‌ی یادگیری وابسته به موقعیت در شکل‌های شبه کارآموزی در نظر گرفته شود. وی معتقد است اگر کسی نتواند در زندگی واقعی تجربه‌ی لازم را کسب کند، یادگیری از طریق مدرسه و کتابهای درسی بی‌فایده خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** نظریه تربیتی، عمل تربیت، ارسطو، تخته، فرونیسیس، تعلیم و تربیت.

## منابع

- 1- اخلاق نیکوماخوس (1378)/ارسطو، ترجمه‌ی محمد حسن لطفی تبریزی، تهران: انتشارات طرح نو.
- 2- Arcilla, R.V. (2002). "Why Aren't Philosophers and Educators Speaking to Each Other?" *Educational Theory*, Vol. 52, No. 1, pp.1-11.
- 3- Mezirow, J. (2000). *Learning as transformation: Critical perspectives on a theory in progress*. San Francisco: Jossey Bass.